

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

سوم می 2013

اشعار برگزیده زنده جاوید "داوود سرمد"

(چل و پنج)

عشق

عشق! ای خون تو در رگهای ما
ای اسیر پنجبه ات شهبازها
از تو میجنبد رگ هر برگ گل
میشگوفد از تو لبخند بهار
صد هزاران راز در هر راز تست
ای شراب ساغر رؤیای من
آتشی در سینه مهتابها
مشعل خونین راه جست و جو
ای نسیم نوبهاران نوید
ای تن افسردگان را داده جان
در کتاب معرفت عنوان توئی
جوهر آئینه دنیاستی
پیکر بیجان من افسرده بود
شپهر پرواز در اوج نبود
در گداز از باده ات مینای ما
خاک در اوجت پر پروازها
از تو میجوشد به هر پیمانہ مل
از تو رنگین پنجه های شاخسار
یک جهان آواز در هر ساز تست
عطر گلزار تمناهای من
پرتوی در دیده بیخوابها
پرچم برج بلند آرزو
برق چشم اختر صبح امید
ای نگین خاتم دست جهان
با همه عریانیت پنهان توئی
یک سخن، هر لفظ را معناستی
چون گیاه هرزه ای پژمرده بود
مستی شوری شدن موج نبود

جانِ دیگر در تنم خونت دمید
 تا که آتش در دلم افروختی
 سوختی هر چند تار و پود من
 لیک رازِ هستیم آموختی
 تا میت را ریختی در ساغرم
 تا که برقِ تو درخشیدن گرفت
 پرده رازت به چشمم باز شد
 با قـدومت از تپیدنهای دل
 از تو گشتم این چنین آتش نفس
 در تو برگِ دفترِ من رنگ یافت
 قلب من منزلگه درد از تو شد
 سینه ام این مجمرِ آلوده خون
 ز آتش این کوره بس شعله خیز
 حرف من بگرفت رنگِ التهاب
 چون به نامِ تو بجنبانم قلم
 میجهد از خامه اخگر پاره ها
 من که چون مرغ سبکبالِ غرور
 در کلامم روح موزونت دمید
 زندگانی را به من آموختی
 خاک کردی گرچه هست و بود من
 شور و شوق و مستیم آموختی
 آتش افگندی به جان و پیکرم
 چشمه های نور جوشیدن گرفت
 خود کلیدِ گنجهای راز شد
 ره گشودم جانبِ دنیای دل
 سوختم یکدم پر و بالِ هوس
 سازِ بی سازم چنین آهنگ یافت
 مرغ فکرِ من جهانگرد از تو شد
 گشت جولانگاهِ آه شعله گون
 خنجرِ فریاد من گردید تیز
 آه من بگرفت راهِ پیچ و تاب
 تا دهم شرح نزاکتهای غم
 کاتش آن آب سازد خارها
 رفته ام تا که کشان در اوج نور

در قدمهای تو میسایم جبین
 بر تو میگویم درودِ آتشین